



Essays in

جستارهایی در فلسفه و کلام

Philosophy and Kalam

HomePage: https://jphilosophy.um.ac.ir/	Vol. 57, No. 1: Issue 114, Spring & summer-2025, p.203-225	
Online ISSN: 2538-4171		Print ISSN: 2008-9112
Receive Date: 9-6-2024	Revise Date: 18 -11-2024	Accept Date: 30 -11-2024
DOI: 10.22067/epk.2024.88422.1344	Article type: Original	

Pleasure and Pain from the Perspective of Avicenna in Neuroscience The Possibility of Transition from Avicenna's Maximal Duality

Dr. Fahimeh Shariati

Associate professor, Ferdowsi University of Mashhad

Email: Shariati-f@um.ac.ir

Abstract

In different branches of cognitive science, precise knowledge of the brain, brain circuits, changes resulting from an individual's experience, etc., there are findings about pleasure and suffering, any of which scientifically confirms and interprets part of Avicenna's views on pain and pleasure. The relativity of pain perception, the effect of mental states on it, its types, factors, obstacles, and many other findings that are also consistent with Avicenna's views all show the multi-layered-ness and complexity of the issue. Although modern science is not in a position to prove or confirm the soul, it does not tolerate the dogmatic position of eliminative monism. It is also incompatible with maximal dualism. Some of Avicenna's positions on the soul, including his views on pain and pleasure and other evidence, can to some extent provide a more appropriate interpretation of duality in his view.

Keywords: Avicenna, psychic passions, pleasure, pain, cognitive sciences, perception



This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



Essays in

جستارهایی در فلسفه و کلام

Philosophy and Kalam

سال 77 - ش 1 - شش 111 یالی 444- بهار و سسان 4444، ص	HomePage: https://jphilosophy.um.ac.ir/
ش. چاپی 9112	شاپا الکت. ونرکی 4171
تاریخ دریافت: 1403/03/20	تاریخ بازنگری:
نوع مقاله:	DOI: 10.22067/epk.2024.88422.1344

لذت و رنج از منظر ابن سینا در دانش عصب‌شناسی امکان گذار از دوآلیته حداکثری ابن سینا

فهیمة شریعت

دانشیار، گروه معارف دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد
Shariati-f@um.ac.ir

چکیده

در شاخه‌های متفاوت علوم شناختی، شناخت دقیق مغز، مدارهای مغزی، تغییرات ناشی از تجربیت فرد و ... یافته‌های درباره لذت و رنج دارد که هر یک بخشی از نظرات ابن سینا درباره درد و لذت را به طور علمی تایید و تفسیر می‌کند. نسبی بودن ادراک درد، تاثیر حالات روحی بر آن، اقسام، عوامل، موانع و بسیاری دیگر از یافته‌ها که با نظرات ابن سینا نیز همخوانی دارد، تنیدگی، چند یه و پیچیده بودن مسئله را نشان می‌دهد. علوم جدید .. در موضع اثبات یا تایید روح نیست اما موضع‌گیری خومی ی‌گنه‌انگاری حذف‌گرا را بر نمی‌تابد .. همچنان که با دوگانه‌انگاری .. کثری نیز ناسازگار است. برخی موضع‌گیری‌های ابن سینا .. صوصد نفس از .. جمله نظرات وی درباره درد و لذت و .. روشود می‌تواند .. مکان تفسیر .. ری .. نزد .. ن ..

واژگان کلیدی: ابن سینا، ادفعات نفسانی، لذت، درد، علوم شناختی، ا. ک.

مقدمه

نتایج حاصل از نظریات اندیشمندان و فلاسفه در یک حوزه خاص به طور شبکه‌ای هم در سلاسل باورها و عقاید ایشان ریشه دارد و هم بر بسیاری از آرا و عقاید دیگران تأثیر می‌گذارد. آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتی جهان‌شناسی و انسان‌شناسی مبتنی بر مولفه‌های پیچیده‌ای است که در ارتباط با یکدیگر است. برای ارزیابی این مولفه‌ها علاوه بر سازگاری درونی و موافقت کلی با اصول عقلایی اگر امکان بررسی آن‌ها بر اساس تئوریکات علمی لازم می‌آید می‌تواند زوایای قوت یا ضعف نظریات را روشن کند.

نظر به ایجاد علوم شناختی در قرن بیستم و تمرکز چند سویه بر نظرات درباره مغز و ذهن که به نوعی با حوزه انسان‌شناسی در ارتباط است، همچنین نظر به پیوند وثیق میان جسم و روح، می‌توان از یافته‌های علوم شناختی برای ارزیابی نظرات فلسفی انسان‌شناختی که اکنون در برخی وجوه خود با ابزار علم قابل تحقیق دقیق‌تر است کمک گرفت.

علوم شناختی که به -هور سلاسه به صورت «پژوهش علمی درباره ذهن و مغز»- تعریف می‌شود، شاخه‌ای میان‌رشته‌ای است که از رشته‌های مختلفی مانند روان‌شناسی، فلسفه ذهن، عصب‌شناسی، زبان‌شناسی، انسان‌شناسی، علم م. را. ا. ه. -بوش مصنوعی برای بررسی ماهیت، بقاء، بنی و فرایندهای فعالیت‌های ذهنی مانند تفکر، ادراک، اساس ... شده است. در حقیقت علوم شناختی حوض مشترکی است که می‌تواند یافته‌های علوم مختلف درباره موضوعات مرتبط با انسان و ذهن او را در یک جا جمع و برای بررسی بیشتر به علوم متفاوت ارائه دهد. علوم اعصاب شناختی به بررسی نحوه اجرای پردازش‌های شناختی در مغز می‌پردازد.

ابن‌سینا خود یک فیلسوف پزشک بوده است. این خصلت وی باعث شده که در آثار متفاوت خود با موضوعات مختلف، گریزی به مسائل و اد داشته باشد. به عنوان مثال وی در بحث ادکات حیوانی به شرح قسمت‌های مختلفی از مغز می‌پردازد و مغز را در درک شادی و انفعالات موثر می‌داند.¹ به طوریکه در رسالاتی کالک‌ردا و سلامت ملزج

1. ابن‌سینا، رساله فی الادویه الطبیه، 23.

شریعتی؛ لذت و رنج از منظر ابن‌سینا در دانش عصب‌شناسی امکان‌گذار از دوآلیته حداکثری ابن‌سینا / 207

للذت و الم اخروی در فلسفه سینوی»¹ نوشتۀ ثلثین الله خادمی . مرتضی‌حممدی اشاره کرد.

همچنان لاا رابطه نفس و بدن لاا فلسفه اسلامی و ابن‌سینا مقایسه‌ای وجود دارد. لاا میان آن‌ها می‌توان به مقایسه دیدگاه ابن‌سینا و ملاصدرا پیرامون رابطه نفس و بدن و سنجش کارآمدی مبانی هر یک در نیل به مطلوب² نوشته فروغ السادات رحیم پور اشاره کرد.

درباره لذت و درد در مجلات پزشکی و عصب‌شناسی مقالات متعددی وجود دارد. از جمله مقالاتی که در این پژوهش از آن‌ها استفاده شده و در فهرست منابع ذکر گردیده است. اما هیچ‌یک از این پژوهش‌ها مسئله اصلی مشابه با مسأله مقاله حاضر را ندارد. تمرکز اصلی در این مقاله بر بزنگاه‌هایی از نظرات ابن‌سینا در خصوص درد و لذت است که به لحاظ عصب‌شناسی در نتیجه پیشرفت علم در قرن اخیر توضیح شده است. فهم مسائل مربوط به نفس و ذهن دارای تبیین‌های چند لایه است و از همین رو است که امروزه این نوع مسئله در حوزه علوم شناختی قرار گرفته است. در این مقاله به‌طور خاص بر مواضع مشترک ابن‌سینا با عصب‌شناسی پرداخته شده و سپس در یک نگاه تطبیقی مقایسه‌ای برآیند نظرات در فلسفه ابن‌سینا و عصب‌شناختی مورد نظر قرار گرفته است. به این ترتیب این مقاله کاملاً نوآورانه است. ضرورت چنین مقایسه‌های تطبیقی چنان‌که بیان شد دو وجوه بودن مسئله نفس و ضرورت استفاده از یافته‌های پزشکی و دخالت آن‌ها در نتایج فلسفی است. چنان‌که روش فلاسفه متقدم این‌گونه بوده ولی متأسفانه به دلیل جزئی و شاخه‌شده شدن علوم این سنت پیگیری نشده است. به این منظور لازم است تا مقدماتی مانند نظر ابن‌سینا درباره لذت و درد و شاخصه‌های آن هر چند پیش از این در سایر مقالات لاوجود داشته باشد البته به گونه‌ای متفاوت و متمایز بیان شود.

1- چیستی لذت و درد از نگاه ابن‌سینا

از نظر ابن‌سینا لذت عبارت است از ادراک ملائم از بی‌جهت که ملائم است.³

1. خادمی، عین‌الله و مرتضی‌حممدی. «لذت و الم اخروی در فلسفه سینوی». «آینه معرفت»، ش. 3 (1390): 1-27.

2. رحیم‌پور، فروغ السادات. «مقایسه دیدگاه ابن‌سینا و ملاصدرا پیرامون رابطه نفس و بدن و سنجش کارآمدی مبانی هر یک در نیل به مطلوب». «خریدمه صدر»، ش. 87 (1396): 19-34.

3. ابن‌سینا، المبدأ و المعاد، 21.

شادی و گرنه مثل مریض‌ها و پیرهای غیر معتدل^۱ ج از ملاج سودانیان آماده و مستعد برای غم است.^۱ وی مغز را نیز در شادی و انفعالات لاموثر می‌داند^۲ و به‌طور کلی عواملی این‌چنین را بدنی^۳ محسوب می‌آورد. در مواردی که شخص مزاجی سو دایب داشته باشد این تخیل‌های ترساننده قوی هستند و باعث غم و وحشت زیادی می‌شوند. اینکه ابلن‌سینا تخیل را در مزج سودایی قوی‌تر می‌داند به معنی آنست که بستری از مادیات برای آن ترسیم می‌کند.^۳ به‌طور کلی ادراک لذات برای کسانی که مزج مترکم‌تری دارند بیشتر است. این افراد در برخورد با ناملایمات نیز دردمندی بیشتری را ادراک می‌کنند.^۴

6-1- تَتَ اَللَّتَتَت مَم

لذات اقسام عمیق‌تری نیز دارد که ادراک آن با ادراک قوای مادی و جسمانی قابل قیاس نیست. علت اینکه اکنون آن لذات دریافت نمی‌شود وجود مانع و شاغل بدن است که باعث می‌شود ادراک نگردد.^۵ شاید بتوان مواردی ایلن چنین را طبق مبانی ابلن‌سینا از سنخ لذات عقلی نامید. در حکمت اسلامی عمل شقی^۶ بسش‌ایار کلیدی در رسیدن انسان به سعادت دارد. سعادت از نظر حکما از جمله ابلن‌سینا جز از طریق اصلاح بخش عملی نفس امکان‌پذیر نیست.^۶ نوع تقسیم‌بندی حکمت به نظری و عملی شاخه‌های گوناگون آن و غایت مورد انتظار از آن، نشان‌دهنده تعامل نظر و عمل برای نیل به یک هدف از سنخ علم است.

7-1- شَنِشَعْعَدَدَدَلَلَك تَوَوَرَرَا

عقل به دو بخش عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود. در بخش عقل عملی اخلاص و آداب و در بخش نظری علم و دانش حاصل می‌گردد.^۷ برخی از انواع انفعالات نفسانی و استنباط صنایع که مربوط به عقل عملی انسان هست در شکل ساده‌تری در حیوانات نیز وجود دارد اما ماهیت آن‌ها درن‌اسحن و حیوان متفاوت است. چون جوهره آن اعمال نزد انسان را ادراک تشکیل می‌دهد، حل این ادراک که در پرتو ادراکات عقل

1. ابن‌سینا، رساله فی الادویه القلیبیه، 23.

2. همان، 231.

3. همان، فصل 5.

4. ابن‌سینا، القانون فی الطب، 257/1.

5. ابن‌سینا، الهیات نجات، 256.

6. ابن‌سینا، الشفا فی الهیات، 429.

7. ابن‌سینا، المبدأ و المعاد، 23؛ ابن‌سینا، الشفا فی الهیات، 363.

نیز متفاوت و مودج‌جاست و به‌منبع آن شادی‌های او نیز متفاوت و متدرج خواهد بود. فرح به‌منبع ادراک‌محصل می‌شود یعنی فرح به‌شعور به حصول کم‌م‌ر لای‌دهد. ابن‌سینا ماهیت فرح، شادی، غم و ناراحتی را انفعالات‌انفسانی می‌داند. وی مصادیق دیگری از انفعالات‌انفسانی را نیز نام می‌برد مثل شفقت و رحمت که وقتی نسبت به فاعل سنجیده می‌شود از عوارض خاص او هستند.¹

1-1- اخخاص اددیده اا

وقتی ابن‌سینا در کتاب *شفا و نجات* عقل را به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌کند. سه کارکرد برای عقل عملی در نظر می‌گیرد که عبارت از انفعالات، استنباط صنایع ع ادراک خوب و بد اعمال هستند. این انفعالات‌لاکه محصول عقل عملی است شامل خجالت، تعجب، خنده و گریه می‌شوند که در دیگر ایوانلات وجود ندارند. شاید از ایلن جهت ابن‌سینا این انفعالات‌لارا مختص به انسان می‌داند که ایلن انفعالات‌لاریشه در کارکردهای عقل عملی دارند و صرف ادراک لذت و الم عامل ادراک شادی و غم نیست. ابن‌سینا در کتاب *شفا و نجات* و با قدری مسامحه در کتاب *عیون‌الحکمه* سه کارکرد برای عقل عملی گفته است. در *رساله نفس* تنها به دو کارکرد ادراکی یعنی استنباط صنایع و ادراک خوب و بد اعمال و در کتاب *اشارات* تنها به مورد آخر یعنی ادراک خوب و بد اعمال توجه کرده است.

2- چیستی لذت و درد از نگاه محققان علوم شناختی

درد یک تجربه پیچیده و ذهنی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد و درک آن می‌تواند به طور قابل توجهی از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد. با توجه به نظریه درد کنترل دروازه ملزاک و وال (1965) که به طور گسترده در زمینه تحقیقات درد مورد توجه قرار می‌گیرد، درد صرفاً یک پاسخ فیزیکی به آسیب نبی، تسبیکه توسط عوامل روانی، عاطفی و شناختی تعدیل می‌شود که به توضیح اینکه چرا ممکن است توسط افراد مختلف متفاوت اساس شود کمک می‌کند. در تئوری آن‌تجر، ماهبه درد تحت تأثیر تعامل سیگنال‌های حسی با مکانیسم "دروازه" در نخاع است که می‌تواند سیگنال درد را قبل از رسیدن به مغز تقویت یا تضعیف کند. ایلن فرآیند می‌تواند تحت تأثیر

1. ابن‌سینا، *التعلیقات*، 107.

نحوه تجربه و تفسیر درد را تعدیل می‌کند.¹

2-1- نذیر بیبیبیبت عاطفی

ایلمن مسئله در دوران معاصر در علوم شناختی هم مطالعه شده است. مهمترین بررسی‌ها در این زمینه متعلق به پژوهشگران حوزه ادراک بینایی است. نظریات سنتی-تر در این حوزه مدعی هستند که دستگاه ادراکی زمانی تأثیربخش خواهد بود که بتواند واقعیت بیرونی را هرچه دقیق‌تر نمایش دهد و بنابراین منطق تکامل و انتخاب بیعی باید به ایجاد سیستم‌های ادراکی منطبق بر واقعیت منجر شده باشد اما از سوی دیگر نظریه‌های افراطی نظیر نظریه میانجی ادراکی وجود دارند که ادعا می‌کنند برخلاف نظریه‌های کلاسیک، انتخاب طبیعی منجر به تطور دستگاه ادراکی به گونه‌ای می‌شود که ادراکات ما هیچ ارتباطی با واقعیت بیرونی نداشته باشند.²

به‌طور کلی مغز دائماً تغییر می‌کند و هر کاری که فرد انجام می‌دهد منجر به تغییراتی در ساختار مغز می‌شود. ایلن تغییرات می‌تواند کوتاه مدت یا بلند مدت باشد. مغز، سازگاری فوق العاده‌ای دارد که بعضی اوقات به‌عنوان انعطاف‌پذیری عصبی از آن یاد می‌شود. این ناشی از فرایندی است که دی ر آن ارتباطات طمیل‌ن‌ورون‌ها قوی شده و این زمانی است که نورون‌ها به‌طور هم‌زمان فعال می‌شوند. ایلن تاثیر تجربه عمیق شکل‌پذیری نام دارد و در تمام سول زندگی فرد حضور دارد. انعطاف‌پذیری به مغز اجازه می‌دهد که به‌طور مداوم تحت تاثیر محیط قرار بگیرد. مغز می‌تواند برای رویدادهای آینده مبتنی بر تجارب گذشته آملاده شود. ایلن را می‌توان برداشتی جدید از این قاعده مورد نظر ابن‌سینا دانست که ادراک لذات در افراد گوناگون متفاوت است. همچنین این مطلب که نقشه گذشته فرد در ادراک او از لذات تاثیرگذار است ناظر به همین تحقیقات است.

2-2- تمیہ یبیبہ للہ ووررا

مغلز انسلان توسط نیروی الکتریسیته عمل می‌کند. در هر لحظه د - رول روز، میلیون‌ها نورون در مغز سیگنال‌های الکتریکی ارسال می‌کنند تا با نورون‌های دیگر ارتباط برقرار کرده و افکار، احساسات و رفتار انسلان را ایجاد کنند. روش جدید

1. Melzack & Wall, 1982.

2. رضایتی چران و غریب زاده، «ما چقدر واقف‌گرا هستیم؟: بررسی میزان مطابقت بین ادراک ما و واقعیت بیرونی».

تخریب شود.¹ گاهی محل اساس درد در بخش دیگری غیر از محل تحریک اصلی درد است که به چنین حالتی دردهای انتشاری گویند. مثلاً دردهای انتشاری ممکن است در قسمت هایی از پوست اساس شود اما عامل زیستی آن واقعا در آن نایله نباشد. علت درد انتشاری انتقال پیام های دردناک نایله ای به مرکز عصب نایله دیگر است که به وسیله نوروهای رابط نخاعی صورت می گیرد. در مواردی که یکی از اندام قطع می شود تا مدتی درد مربوط به آن اندام باقی می ماند. علت ادامه این حس تحریک، لیک مراکز عصبی مربوط به آن اندامها است.²

2-4- تأثیرات روانی و اجتماعی

یکی از مهمترین فعال سازهای برخی دردها مثل میگرن، برای بسیاری از شرکت کنندگان، تنیدگی است. میگرن می تواند تحت تأثیر عوامل روانشناختی متفاوتی باشد؛ از آن میان تنیدگی در تسریع، تشدید و ابقای میگرن بیشترین نقش را دارد.³ هر قدر افراد استرس را بیشتر ادراک نمایند به همان میزان احتمال تشدید و وقوع حملات میگرنی رافش یش مییابد.

پژوهش های پیشین نیز اشاره کرده اند مواجهه بیشتر با تنیدگی، شانس سردرد و استفاده از داروهای مسکن را افزایش می دهد.⁴

ملزاک و وال (1965) جزء نخستین نظریه پردازانی بودند که با ارائه نظریه دروازه کنترل نقش عوامل روانی - اجتماعی، بلاخص لایحانات را بر ادراک درد مطرح نمودند. بر اساس این نظریه، هیجانات منفی منجر به باز شدن بیشتر دروازه های کنترل درد می شوند که در نخاع قرار دارد و باعث اسلای درد را از تمام نقاط بدن به مغز ارسال می کنند. این امر باعث می شود عات اسلای درد بیشتری به مغز انتقال یابد و فرد درد بیشتری ادراک کند. شواهد پژوهشی بیانگر این است که نوسانات درد به سهولت تحت تأثیر هیجانات قرار می گیرند، به گونه ای که هیجانات خوشایند عموماً منجر به کاهش درد می شوند، درحالی که هیجانات ناخوشایند شدت درد را رافش یش میدهند.⁵ چنان که بیان

1. گایتون، فیزیولوژی پزشکی، 1/ 595.

2. روحانی حائری، 72.

3. هولم و کوک، 1997.

4. عمادی و دیگران، «عوامل مؤثر بر تجربه درد در بیماران زن مبتلا به میگرن: یک مطالعه کیفی».

5. مسکوئیت، 2016. به نقل از [خانزاده، مصطفی و دیگران](#). «[رابطه رحواره های هیجانی با ادراک درد در سالمندان: نقش](#)

شریعتی؛ لذت و رنج از منظر ابن‌سینا در دانش عصب‌شناسی امکان‌گذار از دوآلیته حداکثری ابن‌سینا / 217

شد از نگاه ابن‌سینا گذشته فرد به شدت و مدت ادراک درد و لذت تجربه‌کننده آن در گذشته وابسته است. مطابق یافته‌های جدید این ارتباط ناشلی از همان دروازه‌های کنترل درد است که عصب‌شناسی جدید آن را تبیین می‌کند.

2-5- تفکات مسموم از رز رز رز رز

از نتایج تحقیق تجربی درخصوص درد می‌توان به ادراک‌های متفاوت از درد اشاره کرد. این قسمت بررسی مسئله، در اوزده واکنش‌های روانی است. راه اندازهای دردی مثل میگرن حتی اگر روان‌شناختی نباشد، خود را در درجه اول در اساسلات، هیجانات و واکنش‌های روانی فرد نشان می‌دهد. اینکه افراد چگونه هیجانات خویش را نظم می‌بخشند با شدت درد و سازگاری‌شان مرتبط است.¹ بعضی محققان اشاره کردند میگرن نه تنها به استرس وابسته است بلکه به ارزیابی فرد از میزان تهدیدکننده بودن رویداد نیز بستگی دارد.² در گذشته تیپ‌های شخصیتی را بر اساس مزاج‌های گوناگون بیان می‌کردند: مزاج بلغمی، صفراوی، سودایی و دمو. علاوه بر این که درباره اخلاق صحبت می‌کنند حالات روان‌شناختی افراد را نیز به نوعی ترتیب و سامان می‌بخشد.

2-6- نقش واکنش‌های معنوی در میزان تاثیر از درد متفاوت است.

نقش واکنش‌های معنوی در میزان تاثیر از درد متفاوت است. در شی‌ژو هوش کوئینگ نشان داده شده باوری که افراد برای خداوند قائل هستند بسیار مرتبط با نحوه پاسخ‌گویی شرکت‌کننده‌ها به مساله «چرايي» ابتلا به بیماری اسلیم. تین سوال اولين رویارویی افراد دردمند با مسئله معنویت است. واکنش‌های معنوی و روابط با خدا در مسئله درد باعث می‌شود افرادی که این بعد از زندگی آن‌ها فعال است، منابع مقابله‌ای قوی‌تری داشته باشند و بیشتر از نظر روان‌شناختی با درد و تبعات حاصل از آن کنار بیایند. کوئینگ اشاره می‌کند افرادی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند، موقعیت‌های سخت زندگی، سازگاری بیشتری دارند.³ همچنین اعتقادات معنوی و مذهبی می‌تواند چارچوبی

میانجی نظم بخشی هیجانی»، 331-343.

1. پورنقاش و عربی، «بررسی نقش میانجی‌گرایانه افسردگی و شدت درد در رابطه بین راهبردهای نظم‌جویی هیجانی و کیفیت زندگی در افراد مبتال به درد مزمن».

2. هولم و همکاران، به نقل از عمادی و دیگران، «عوامل مؤثر بر تجربه درد در بیماران زن مبتلا به میگرن: یک مطالعه کیفی».

3. کوئینگ، 2013.

4. زیدان و همکاران 2012، کسیدی و همکاران 2012، مک کراگن و ولمن 2010، شاتز و همکاران 2010، به نقل از: حاتمى و دیگران، «اثر بخشی در مان شناختی- رفتاری در ذهن آگاهی، تاب آوری و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به درد مزمن»، 51.

شناسی مثبت از همه راه‌ها برای دستیابی به شادی حقیقی استفاده می‌کند. یکی از این راه‌ها مدل شناختی است و بر اساس مدل شناختی نوع نگارش انسان نسبت به خود، دیگران، زندگی و آینده، وضعیت روانی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.¹ از طرفی هدف روان‌شناسی مثبت این است که در نظام روان‌شناسی تحول به وجود آورد و توجه صرف به ترمیم بدترین چیزها را به سوی بهترین کیفیت‌ها در زندگی تغییر دهد. به این منظور شکوفایی توانمندی‌ها باید در صف مقدم درمان و پیشگیری قرار گیرد. این رویکرد در سطح فردی به و ویژگی‌های شخصی مانند مهرورزی، تعهد، شجاعت، مهارت‌های بین فردی، زیبایی، دوست‌پسند، متکبرخشا، رلش، اصالت و آینده نگری می‌شود. در سطح گروهی به فضایل شهروندی مانند اساس مسئولیت، مهرورزی، ایثار، ادب، اعتدال، و اخلاق کاری مربوط می‌شود.²

2-8- نقش‌طوررره اللهجاءدددددر اااااا

1. سلیگمن، 2010.

2. رضایی دهنوی و دیگران، «اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر بر ادراک درد و اضطراب مرگ در سالمندان»، 321-332.
3. همان.

انجمن روان پزشکان انگلیس درباره هیپنوتیزم می‌گوید هیپنوتیزم حالت گ‌ ذرایب است که از تغییر در دقت فرد به وجود می‌آید. حالتی که حاصل دخالت فرد دیگری اسلت. در

1. خانزاده و دیگران، «رابطه رحواره‌های هیجانی با ادراک درد در سالمندان: نقش میانجی نظم بخشی هیجانی»، 332-343.

3- بررسی تطبیقی

دانش‌های گوناگونی در مسئله مشترک ذهن و کارکردهای ذهنی به‌شیر و هوش می‌پردازند. دانا زیست‌شناسی درباره عملکرد هر یک از سلول‌ها در ایجاد یک هیجان مانند درد و لذت متمرکز است اما روان‌شناسی شناختی به رابطه بین سلول‌ها و نحوه تاثیرگذاری نورون‌ها بر یکدیگر و عوامل ایجاد سیناپس‌ها که بسیاری ریشه در فرهنگ، تغذیه و ... دارد تمرکز می‌کند. در فیزیک نیز پژوهش‌های مغزی نتایج خاص و ویژه‌ای را به همراه داشته است که به نوعی با زاویه دید بقیه علوم مانند دیدگاه شیمیایی به مغز متمایز است.

اگر چه به طور مثال خلا وانا کوانتومی و خوانش شیمیایی مغز هر یک از منظر متفاوتی این کار را انجام می‌دهند اما توجه به هر دو نوع این پژوهش در کنار هم معانی می‌یابد که به تنهایی حاصل نمی‌شود. لالا خوانا کوانتومی به ارتباطات و رویدادهای غیرمعمول در سطح زیر اتمی توجه دارد و می‌تواند به بررسی پدیده‌هایی مانند عدم قطعیت و توجیه رفتارهای غیرخطی و پیچیده در عملکرد مغز بپردازد و به یافتن ارتباطات جدید اشاره کنند. این نوع خوانا بیشتر به تجزیه و تحلیل نظری و احتمالات وابسته است و آزمایش‌ها در این زمینه معمولاً پیچیده و بر مبنای مدل‌های نظری هستند اما خوانا شیمیایی بر جنبه‌های بیوشیمیایی مغز، مانند نقش انتقال‌دهنده‌های عصبی، هورمون‌ها و واکنش‌های شیمیایی در مغز تمرکز دارد. این نوع خوانا معمولاً رزایق آزمایش‌های تجربی در محیط آزمایشگاه به دست می‌آید و تأثیرات فیزیکی شیمیایی را به‌طور عینی اندازه‌گیری می‌کند. این فرایندها معمولاً قابل مشاهده و اندازه‌گیری و منجر به نتایج ملموس و قابل تکرار هستند.

علوم جدید اکنون درد و لذت را تجربه‌ای چند بعدی توصیف میکنند که از تعاملات پیچیده بین سیستم عصبی، مغز و حالت‌های روانی متأثر از روابط اجتماعی فرهنگ، سیاست، اجتماع و ... ناشلی می‌شود. درک علوم مدرن اگرچه لزوماً روح را فرامی‌خواند و بر مفاهیمی مانند مسیرهای درد، انتقال‌دهنده‌های عصبی و پردازش مغز،

1. درویش و علیرضا نژاد، «جنسیت، فهم از درد و رفتار بیماری: مطالعه‌ای در شهر سمنان»، 23.

شریعتی؛ لذت و رنج از منظر ابن‌سینا در دانش عصب‌شناسی امکان‌گذار از دوآلیته حداکثری ابن‌سینا / 223

همراه با عوامل روانی-اجتماعی (مانند توجه، اساس، انتظارات و تجربیات گذشته) که می‌تواند درک درد را شکل دهد متمرکز است. با این‌حال وانا مادی گرایانه قدیم و یک وجهی را نیز بر نمی‌تابد. اکنون امر ذهنی از امر مادی متمایز است و سوه به جدید علم در یک مسله با سخت‌گیری و عدم انعطاف در تبیین یک حقیقت ناسازگار است. نظریه کنترل دروازه (ملزاک و وال، 1965) و نظریه زیست روانی-اجتماعی درد که به آن‌ها اشاره شد تأکید می‌کنند که درد صرفاً نتیجه مستقیم آسیب فیزیکی نباشد، بلکه همچنین تحت تأثیر زمینه‌های روانی و اجتماعی فرد است. ایلن مدل نحوه پردازش ورودی‌های حسی توسط مغز، چگونگی شکل دادن تجارب گذشته به ادراک درد و اینکه چگونه حالات عطفی‌طمی‌توانند درک درد را تقویت یا کاهش دهند، توضیح می‌دهد. درحالی‌که به نظر می‌رسد تأثیر روان‌شناختی، اجتماعی، عدم قطعی و ... بر درد، بازتاب ایده‌های باستانی در مورد روح است، این تأثیر امروزه به‌عنوان بخشی از یک سیستم پیچیده از تعاملات ذهن و بدن توضیح داده می‌شود. ایلن واقعیت که عوامل روان‌شناختی بر درک درد تأثیر می‌گذارند، منعکس‌کننده پیچیدگی‌های تجربه انسانی است، که فیلسوفان باستان آن را به‌عنوان تعامل روح و بدن تفسیر می‌کرده‌اند. با ایلن حل، علم مدرن این پیچیدگی را از طریق علوم مختلف توضیح می‌دهد که اگرچه با مفهوم باستانی روح مجرد متفاوت است اما با بدن و جسم مادی به معنای متعارف آن که نقطه مقابل امر مجرد تعریف می‌شد نیز همخوانی ندارد. در عوض، مغز و ذهن به‌عنوان سیستم‌های به هم پیوسته‌ای در نظر گرفته می‌شوند که حالت‌های ذهنی و عطفی‌طمی‌توانند به طور قابل‌توجهی بر نحوه تجربه درد تأثیر بگذارند. در کنار همه ایلن نگرش‌ها مطالعات زیر اتمی خواصی غیر عادی از اتم‌ها را گزارش می‌کند که با ویژگی مواد در ابعاد عادی متفاوت است و برخی از آنچه فلاسفه پیشین درباره خواص تجردی و غیر مادی می‌گفتند را پوشش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

انفعالات انفسانی از قبیل درد و لذت ریشه در ادراک شخصی انسان داشته و از انلوع و سطوح گوناگونی برخوردارند. با تبیین نظرات موجود در آثار ابلن‌سینا می‌توان چگونگی دخالت خود شخص در کمیت و کیفیت این انفعالات‌لاو بالتبع بودن آن‌ها، تأثیر

حالات لاروانی و سوابق زیستی، جنسیت و ... بر ادراک را دریافت. شاخه‌های متفاوت علوم مانند زیست‌شناسی، شیمی، فیزیک کوانتوم، علوم اجتماعی، روان‌شناسی، عصب-شناسی هر یک یافته‌هایی درباره مغز و به خصوص ادراک لذت و الم از حالات ذهنی دارند. شناخت دقیق مغز، مدارهای مغزی، تغییرات ناشی از تجربیات فرد و بسیاری از شواهد دیگر نشان‌دهنده تنیدگی جسم و جان و به نوعی هدایت‌گر عبور از دوگان‌انگاری جوهری و حداکثری از یکسو و یگانه‌انگاری حذف‌گرا از سوی دیگر اسلت. ایلن نگاه چند وجهی که با بدن نیز گره خورده است تا اودود زیادی با دوگان‌انگاری غیر جوهری و نیز مونیسیم غیرمادی‌گرا سازگاری دارد.

ابن‌سینا یک فیلسوف مشایی و نیز پزشک بوده که جمع ایلن دو تخصص وی را به یک مدقق میان رشته‌ای قائل به دوگانگی حداکثری روح و بدن بدل کرده است؛ دوگانه-گرایی حداکثری که بعدها در حکمت متعالیه تلطیف شده و تقلیل یافته اسلت. باید توجه داشت که اگر چه ابن‌سینا حدوث نفس را هم‌زمان با بدن می‌داند ولی نقش علی برای بدن قائل نیست و این وجه عمیق تمایز دیدگاه وی با علوم شناختی خصوصاً در مسئله مقاله و البته از سویی با مواضع حکمت متعالیه است؛ بلا ایلن‌حال ابن‌سینا گهگاه در گفته‌های پراکنده‌ای درباره نفس در برخی از کتب خود به نوعی به نظر یاتی شبیه حکمت متعالیه در بحث وحدت‌تحقیق نزدیک می‌شود؛ مانند آن چه در بلباب پانجم نفس شفا می‌گوید که ملزج‌انسلان در ایجلاد نفس او ملوثر اسلت؛ در اجسلام عنصری تضاد صرف مانع از پذیرش حیات است و هر چه کمتر این تضاد وجود داشته باشد شیء به اجسلام سماوی شبیه‌تر و مستحق پذیرش حیات از طرف جوهر مفارق می‌شود و اگر تا جایی که امکان دارد تضادها برطرف شود شباهت زیادی به جوهر مفارق پیدا می‌کند و آن جوهر پذیرای اثرات جوهر مفارق می‌شود.¹ همچنین ابن‌سینا عقل انسان را قوه‌ی مجرد می‌داند که برای انجام افعال خود ..مند به بدن نیست؛ او دلایل متعددی را در این باب ذکر می‌کند. درحالی‌که درآی‌آر فلسفی خود به نیاز و مراجعه عاقله به محس و متخله و م. بره - که از نظر او با کمک عضو جسمانی کلار ملی‌کند - اشاره ملی‌نماید و در مواردی ایجلاد اشکال در کارکردهای عاقله را که ناشی از ضعف و خستگی و اختلال در مغز اسلت

1. حسن زاده آملی، 233.

شریعتی؛ لذت و رنج از منظر ابن‌سینا در دانش عصب شناسی امکان گذار از دوآلیته حداکثری ابن سینا / 225

می‌پذیرد. علاوه بر این در کتاب *قانون* از بیماری‌های جسمانی عارض بر سر و مغز که تعقل و تفکر را مختل یا متوقف می‌نمایند سخن می‌گوید و راه‌های معالجه و داروهای مربوطه را شرح می‌دهد.¹ این شواهد می‌تواند به نوعی امکان نادیده گرفتن گلا را یا حداکثری در دوآلیته ابن‌سینا را فراهم کند.

منابع

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. *المبدء و المبدء*. تهران: موسسه مطالعت اسلامی دانشگاه تهران، دانشگاه مک گیل، 1363.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. *اشارات و تنبیهات*. ترجمه و شرح حسن ملک‌شاهی، تهران: سروش، 1382.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. *التعلیقات*. بیروت: مکتبة اعلام اسلامی، 1404.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. *الشفاء (الهیات)*. قم: مکتبة آية الله مرعشی، 1404.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. *القانون فی الطب*. بیروت: دارصادر، بی‌تا.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. *الهیات نجات*. ترجمه و پژوهش یثربی، بی‌جا: فکر روز، 1370.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. *رساله فی الدویه القلبیة*. بی‌جا: بی‌نا، 1404.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. *عیون الحکمه*. به تحقیق عبدالرمان بدوی، بیروت: دارالقلم، 1980.
- اوستر، مارک. «هیپنوتیزم و درد زایمان». ترجمه علی شریفی، *تازه‌های روان‌درمانی*، شماره 1 و 2 (1375): 29-40.
- پورنقاش تهرانی، سید سعید و الهام عربی. «بررسی نقش میانجی‌گرایانه فسرده‌گی و شدت درد در رابطه بین راهبردهای نظم‌جویی هیجانی و کیفیت زندگی در افراد مبتلا به درد مزمن». *مجله علوم روان‌شناختی*، ش. 58 (1395): 235-246.
- حتمی، محمد؛ حسنی، جعفر و میترا قاسمی. «اثر بخشی درمان شناختی- رفتاری در ذهن آگاهی، تاب‌آوری و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به درد مزمن». *مجله علوم روان‌شناختی*، ش. 51 (1393): 364-375.
- حسینی، سیدعابد. «طبقه‌بندی هیجانات به کمک طیف مرتبه بلای سیگنال مغزی»، *تازه‌های علوم شناختی*، ش. 2 (1391): 23-34.
- خادمی، عین الله و مرتضی حامدی. «لذت و الم اخروی در فلسفه سینوی». *آینه معرفت*، ش. 3

1. رحیم پور، «رابطه قوه عاقله و مغز در آرای فلسفی و بی ابن سینا»، 85.

(1390): 1-27.

خانزاده، مصطفی و دیگران. «رابطه طرحواره‌های هیجانی با ادراک درد در سالمندان: نقش میانجی نظم بخشی هیجانی». *روانشناسی پیری*، ش. 4 (1400): 331-343.

خدیوی زند، محمدمهدی. «هینوتیزم، دانش، هنر یا فلسفه‌ای در علوم بلینی». *تازه‌های روان درمانی*، ش. 1 و 2 (1375): 18-28.

درویش، آذر و سهیلا علیرضا نژاد. «جنسیت، فهم از درد و رفتار بیماری: مطالعه‌ای در شهر سمنان». *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، سال ششم، ش. 20 (1398): 1-42.

رحیم پور، فروغ السادات. «رابطه قوه عاقله و مغز در آرای فلسفی و طبی ابن سینا». *اندیشه دینی*، ش. 37 (1389): 85-102.

رحیم پور، فروغ السادات. «مقایسه دیدگاه ابن سینا و ملاصدر- پیرامون رابطه نفس و بدن و سنجش کارآمدی مبانی هر یک در نیل به مطلوب». *خردنامه صدر*، ش. 87 (1396): 19-34.

رضایتی چران، آرمان و شهریار غریب‌زاده. «ما چقدر واقع‌گرا هستیم؟ بررسی میزان مطابقت بین ادراک ما و واقعیت بیرونی». *تازه‌های علوم شناختی*، ش. ۲ (1401): 156-167.

رضایی دهنوی، صدیقه و دیگران. «اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر بر ادراک درد و اضطراب مرگ در سالمندان». *روانشناسی پیری*، ش. 4 (1398): 321-332.

سلیمانی، فاطمه «ذات و الم از نگاه ابن سینا». *حکمت سینوی*، ش. 44 (1389): 5-23.

عمادی، سیده زهرا و دیگران. «عوامل مؤثر بر تجربه درد در بیماران مبتلا به میگرن: یک مطالعه کیفی». *مجله علوم روانشناختی*، ش. 73 (1398): 1-15.

گایتون، آرتور. *فیزیولوژی پزشکی*. ترجمه حوری سپهری، تهران: اندیشه رفیع، 1387.

لاهیجی، عبدالرزاق. *شوارق الهم فی تجرید الکلام*. قم: موسسه امام صادق، 1428.

نقوی، اعظم. «مطالعه کیفی ارتباط معنویت‌گرایی و تاب‌آوری از نگاه زنان ایرانی ساکن ملبورن (استرالیا)». *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ش. 4 (1394): 281-296.

Büssing, A., Ostermann, T., & Matthiessen, P. F. "The role of religion and spirituality in medical patients in Germany". *Journal of Religion and Health*, 44(3), (2005): 321-340.

Holm, J. E., Lokken, C., & Myers, T. C. "Migraine and stress: a daily examination of temporal relationships in women migraineurs Headache". *The journal of head and face pain*, 37(9), (1997): 553-558.

Koenig, H. G. "Spirituality and depression: A look at the evidence". *Southern Medical Journal*, 100(7),

Seligman, M. *Authentic happiness: Using the new positive psychology to realize your potential for Lasting Fulfilling*. New York: Free Press, 2010.

Seligman, M. E. P. *Flourish: A visionary new understanding of happiness and well-being*. New York: Free Press, 2012.

Melzack, R., & Wall, P. D. "Pain Mechanisms: A New Theory: A gate control system modulates sensory input from the skin before it evokes pain perception and response". *Science*, 970-978, 1965.

Melzack, R., & Wall, P. D. *Challenge pain*. Penguin books, 1982.-Canada

Transliterated Bibliography

Darvish, Āzar va Suhiylā 'Alī Riḍānizhād. "Jinsiyyat, Fahm az dard va Raftār Bimārī: Muṭālī'ih-i dar Shahr Simnān". *Pazhūhishnāmih-yi Madadkārī Ijtimā'i*, yr. 6, no. 20 (2020/1398): 1-42.

Guyton, Arthur. *Physiology Pizishkī*. Translated by Hūrī Sipihri, Tehran: Andishih-yi Rafi', 2009/1387.

Hātami, Muḥammad; Hasanī, Ja'far va Mitrā Qāsimī. "Āsarbakhshī Darmānshinakhtī-Raftārī dar Zihn Āgāhī, Tābāvarī va Kiyfiyat Zindigī Bimārān Muṭalā bi Dard Muzmin". *Majalah-yi 'Ulūm Ravānshinakhtī*, no. 51 (2015/1393): 364-375.

Husaynī, Sayyid 'Ābid. "Ṭabaqihbandī Hayjānāt bi Kumak Tiyyf Martabah Bālāy Signāl Maghzi". *Tāzih-hā-yi 'Ulūm Shinakhtī*, no. 2 (1971/1391): 23-34.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn 'Abd Allāh. *al-Ishārāt wa al-Tanbihāt*. Tarjamah va Sharḥ Hasan Malikshāhī, Tehran: Surūsh, 2004/1382.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn 'Abd Allāh. *al-Mabda' wa al-Ma'ād*. Tehran: Mū'assisah-yi Muṭālī'at-i Islāmī University of Tehran, McGill University, 1985/1363.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn 'Abd Allāh. *al-Qānūn fī al-Tib*. Beirut: Dār Ṣādir, s.d.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn 'Abd Allāh. *al-Shifā' (Ilāhiyāt)*. Qum: Maktaba Āyat Allāh Mar'ashī, 1984/1404.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn 'Abd Allāh. *Ilāhiyāt Najāt*. Translated by Yathribī, s.l. Fikr Rūz, 1992/1370.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn 'Abd Allāh. *Risālah fī al-Adwiya al-Qalbiya*. S.l. s.n. 1984/1404.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn 'Abd Allāh. *al-Ta'liqāt*. Beirut: Maktaba al-'Ilām al-Islāmī, 1984/1404.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn 'Abd Allāh. *Uyūn al-Hikmah*. Taḥqīq 'Abd al-Raḥmān Badawī, Beirut: Dār al-Qalam, 1980/1400.

‘Imādī, Sayyīdih Zahrā et al. “‘Avāmil Mū’athir bar Tajrūbih dard dar Bimārān Zan **Mubtalā bi Mīgrin**: Yik Muṭālī’ih Kiyfī”. *Majalah-yi ‘Ulūm Ravānshinākhtī*, no. 73 (2020/1398): 1-15.

Khādimī, ‘Ayn Allāh, Murtaḍā Hāmidī. “Lazzat va Alam Ukhravī dar Falsafah-yi Sinavī”. *Āynih Ma’rifat*, no. 3 (2012/1390): 1-27.

Khadivī Zand. **Muḥammad Maḥdī**. “Hypnosis, Dānish, Hunar yā Falsafah-ī dar ‘Ulūm Bālīnī”. *Tāzih-hā-yi Ravān Darmānī*, no. 1-2 (1956/1375): 18-28.

Khānzādih, Muṣṭafā et al. “Rābiṭah-yi Tarḥvārih-hā-yi Hayijānī bā Idrāk dard dar Sālmāndān: Naqsh Miyānjī Naẓmjbakhshī Hayijānī”. *Ravānshināsī Pīrī*, no. 4 (2021/1400): 331-343.

Lāhijī, ‘Abd al-Razzāq. *Shavāriq al-Ilhām fi Sharḥ Tajrīd al-Kalām*. Qum: Mū’assisa al-Imām al-Ṣādiq, 2007/1428.

Naqavī, A‘zam. “Muṭālī’ih Kiyfī Irtibāt Ma’naviyatgirāyī va Tābāvarī az Nigāh Zanān Irānī Sākin Melbourne (Australia)”. *Majalah-yi ‘Ulūm Ravān Pizishkī va Ravānshināsī Bālīnī Irān*, no. 4 (2016/1394): 281-296.

Oster, Mark. “Hypnosis va Dard Zāyimān”. Translated by ‘Alī Sharīfī, *Tāzih-hā-yi Ravān Darmānī*, no. 1-2 (1997/1375): 29-40.

Pūrnaqāsh Tehranī, Sayyid Sa‘īd va Ilhām ‘Arabī. “Barrisī Naqsh Miyānjigarāyānih Afsurdigī va Shidat Dard dar Rābiṭah-yi biyn Rāhburd-hā-yi Nazmjūyī Hayijānī va Kiyfiyat Zindigī dar Afrād Mubtalā bi Dard **Muzmin**”. *Majalah-yi ‘Ulūm Ravānshinākhtī*, no. 58 (2017/1395): 235-246.

Raḥimpūr, Furūgh al-Sādāt. “Muqāysih-yi Didgāh-i Ibn Sīnā va Mulāṣadrā Pirāmūn Rābiṭah-yi Nafs va Badan va Sanjish Kāramadī Mabānī har Yik dar Niyl bi Maṭlūb”. *Khiradnāmah-yi Ṣadrā*, no. 87 (2017/1396): 19-34.

Raḥimpūr, Furūgh al-Sādāt. “Rābiṭah-yi Quvih ‘Āqilīh va Maghz dar Ārā’ Falsafī va Ṭibī Ibn Sīnā”. *Andishih-yi Dīnī*, no. 37 (2011/1389): 85-102.

Riḍāyī Dahnavī, Ṣidiqih et al. “Aṣarbakshī Ravāndarmānī Muṣbatnigar bar Idrāk dard va Iztirāb Marg dar **Sālmāndān**”. *Ravānshināsī Pīrī*, no. 4 (2020/1398): 321-332.

Rizāyatī Charān, Ārmān va Shahriyār Gharibzādih. “Mā Chiqadr Vāqi‘ girā Hastīm? Barrisī Mīzān Muṭābiqat Biyn Idrāk mā va Vāqi‘iyat Birūnī”. *Tāzih-hā-yi ‘Ulūm Shinākhtī*, no.2 ((2022/1401): 156-167.

Sulaymānī, Fātimah. “Lazzat va Alam az Nigāh Ibn Sīnā”. *Hikmat Sinavī*, no. 44 (2011/1389): 5-23.